

## Qur'anic Intertextuality In the poems of Hamid Sabzevari and Samih al-Qasim

Hamidreza Zohreie<sup>1</sup>, Fariba Ghanbari Galedar<sup>2</sup>

## بینامتنیت قرآنی در اشعار حمید سبزواری

و سمیح القاسم

حمیدرضا زهره‌ای<sup>۱</sup>، فریبا قنبری گله‌دار<sup>۲</sup>

### چکیده

اثرگذاری قرآن که کلام خدا است، مقوله‌ای ژرف و گسترده در ادب فارسی و عربی است. سمیح القاسم و حمید سبزواری در اشعار خود از الهامات قرآن کریم متأثر هستند. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و با بررسی اشعار دو شاعر اجرا شده است. ابتدا مبانی نظری پژوهش تنظیم و براساس آن اشعار دو شاعر استخراج و تحلیل‌های لازم به دست داده شد که حاصل نشان داد، سبزواری اغلب به روش‌های ترجمه، برآیندسازی از قرآن مجید بهره گرفته است و این بهره‌گیری به طور عمدی برای خلق مضمون یا تأیید و تأکید مطلب و نیز، نشان‌دادن آگاهی و تأثیرگذاری بیشتر است و میزان الهام‌پذیری او از قرآن بیشتر از سمیح القاسم است. در مقابل، سمیح القاسم از آیات قرآن کریم به نسبت حمیدی سبزواری کمتر بهره برده، اما این اثرپذیری در ذهن و ضمیر او چونان درهم آمیخته که موجب شده تأثیرپذیری او از نوع «حل» باشد. اثرپذیری به شیوه حل، جزء اثرپذیری‌هایی است که در ظاهر بسیار نامرئی و کم‌رنگ نشان داده می‌شود. اثرپذیری سمیح القاسم، با زیبایی‌های بیانی و بدیعی همراه است که از بهترین نوع بینامتنیت شناخته شده و بدان بینامتنیت انگیزشی می‌گویند.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، شعر فارسی و عربی، بینامتنیت، بینامتنی انگیزشی، اثرپذیری پنهان، سمیح القاسم و سبزواری.

### Abstract

The sensibility of the Qur'an, which is God's terms, is a profound and widespread subject in Persian and Arabic literature. Samih al-Qasim and Hamid Sabzevari inspired the Holy Quran in their poems. The present study is aimed to investigate the Qur'anic intertextuality in the poems of these two poets. This library-based study was performed by investigating the poems of the two poets. At first, the theoretical foundations of the research were designed and based on which the poems of the two poets were extracted and the necessary analysis was performed. The results showed that Sabzevari often used Holy Quran by translation, a resulting and this method was mainly based on creating the content or confirmation and emphasis as well as indicating further awareness and sensibility, and his inspiration by the Qur'an is more in comparison with Samih al-Qasim. In contrast, Samih al-Qasim used less holy Qur'anic verses than Hamid Sabzevari; thus, the creativity of Sabzevari in using God's Words is less than that of Samih al-Qasim with powerful creativity. Samih al-Qasim, in his sensibility, has overwhelmed and greatly reduced the adoption rate to minimal and in some cases to zero since the Samih al-Qasim's sensibility is accompanied by recitative and exquisite beauties as the best type of intertextuality called motivational intertextuality.

**Keywords:** Quran, Persian and Arabic Poetry, Intertextuality, motivational intertextuality, Hidden Sensibility, Samih al-Qasim and Sabzevari.

۱. استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد  
No407za@gmail.com (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد.

Assistente Professor of Arabic Language at Azad University of Khoramabad.

Ph.D Student of Persian Language and Literature at Azad University of Khoramabad.

## مقدمه و بیان مسئله

بی‌تردید، یکی از بن‌مایه‌های لفظی و معنوی ادب فارسی قرآن مجید است. قرآن، کلام خداوند که از طریق وحی بر پیامبر اسلام (ص) نازل و در مصاحف جمع‌آوری شده و به صورت متواتر به ما رسیده است. قرآن برای سخنوران مسلمانی که به زبان عربی وقوف داشته‌اند، هرگز کتاب مذهبی صرف نبوده؛ بلکه آیین‌نامه‌ای برای زندگانی دنیوی و یک راهگشا به رستگاری آن جهانی بوده است. قرآن در کنار خصوصیات مذهبیش، ویژگی‌های شگرف دیگری نیز دارا بوده و هست که پیوسته آن را برای شعرا و ادبا به صورت منبع بی‌پایان نیروی بیان و آب‌شخور دل‌انگیز و سهل‌الوصول اخذ و اقتباس و الهام درآورده است و هنرمندان برای خلق اثر هنری خویش از چیزی به عنوان ماده اولیه استفاده می‌کنند. ماده اولیه پیکرتراش، سنگ و چوب؛ نقاش بوم و رنگ و موسیقیدان، آلات موسیقی و نت‌ها و... است. ادیب و نویسنده نیز برای خلق هنر و اثر هنری خویش از ماده اولیه‌ای سود می‌برد و آن همانا هنر سازه است. هنر سازه در یک نظام و سیستم، در نگاه خلاقانه هنرمند می‌نشیند و معماری زبان را خلق می‌کند و زیبایی می‌آفریند. در حقیقت، شعر و ادبیات با همه گونه‌گون و در هر نوع و ژانری در چیدمان هنرمندانه هنر سازه خلق می‌شود. این گونه است که ادبیات چه در حوزه شعر و چه در حوزه نویسندگی در زمین زبان و با زبان خلق می‌شود، اما فراتر از زبان عادی و در جایگاه اثری هنری می‌نشیند: «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت،

گوینده شعر با شعر خود و با اثر هنری خود عملی در زبان انجام می‌دهد که خواننده میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی - یا به قول ساختارگرایان چک: زبان اتوماتیکی - تمایزی احساس می‌کند. این تمایز، می‌تواند علل بسیاری داشته باشد، عللی شناخته شده و عللی غیر قابل شناخت. اتفاقاً شعر حقیقی یا شعر ادبی، همان شعری است که علت تمایز آن از زبان مبتذل و معمول، در تمام ساحات قابل تعلیل و تحلیل نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۳). در این پژوهش درصدد هستیم تا اثرپذیری و شیوه اثرگذاری قرآن بر اشعار دو شاعر مسلمان ایرانی و لبنانی، سبزواری و سمیح‌القاسم را بررسی کرده و سؤالات پژوهش را پاسخ دهیم. روش گردآوری اطلاعات این پژوهش از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای به طریق فیش‌برداری و استفاده از کتب و مقالات مرتبط با موضوع است و پرسش‌های پژوهش به شرح ذیل است:

- حمید سبزواری و سمیح‌القاسم در بیان مفاهیم خود از آیات و مضامین قرآن بهره برده‌اند؟
- شیوه‌های تأثیرپذیری حمید سبزواری و سمیح‌القاسم از قرآن چگونه است؟

## پیشینه پژوهش

درباره تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات، تاکنون آثار بسیاری تألیف شده که هر یک به نوبه خود سهمی به‌سزا در تعریف و تعیین جایگاه این منابع مهم و سرشار در ادبیات فارسی داشته‌اند. از جمله مهم‌ترین این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در زمینه بررسی زندگی و آثار سمیح القاسم، پژوهش‌هایی با رویکردهای مختلف انجام شده است. از جمله پایان‌نامه‌های تحلیل تطبیقی عناصر مقاومت در اشعار سمیح القاسم، حسن حسینی و قیصر امین‌پور (زارع برمی، ۱۳۸۹)؛ انتفاضة در شعر سمیح القاسم (شاه‌حسینی، ۱۳۸۹) و ادبیات مقاومت فلسطین و بازتاب آن در آثار سمیح القاسم (ابویسانی، ۱۳۸۹) می‌توان اشاره کرد و در این پژوهش‌ها بازتاب جلوه‌های مقاومت در شعر سمیح بررسی و نشان داده شده است، اما با توجه به مطالب بالا، مقایسه اثرپذیری از قرآن در شعر این دو شاعر، پژوهشی نو و بدیع است که تاکنون تحقیق و بررسی نشده است.

#### مبانی نظری

##### ۱. بینامتنیت و تأثیرپذیری از قرآن

نظریه بینامتنیت نخستین بار، در قرن بیستم مطرح شد و ریشه در مطالعات زبان‌شناس بزرگ، دو سو سور، دارد، اما باختین بود که به صورت ویژه به مسئله بینامتنیت (هرچند خود هیچ‌گاه چنین اصطلاحی را به کار نبرده است)، با پرداختن به نظریه گفتار و منطق گفت‌وگویی توجه نشان داد. پس از وی ژولیا کریستوا به جمع کردن آراء و نظریات سوسور و باختین مبادرت ورزید و نام «بینامتنیت» را بر این مبحث نهاد و این نظریه را در دهه ۱۹۶۰ میلادی تبیین کرد. باختین با مطرح کردن نظریه مکالمه بنیاد بودن گفته‌ها، تأکید داشت که گفته‌ها معنا و منطق‌شان وابسته به آنچه پیشتر گفته شد و نیز نحوه دریافت آتی آنها از سوی دیگران خواهد بود و زبان‌ها خود پاسخگوی گفته‌های پیشین آن دو در

- تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی تألیف علی اصغر حلبی (۱۳۷۷): در این کتاب نمونه‌هایی از کاربرد عناصر بلاغی قرآن در خیال‌انگیزی و بلاغت شعری اشعار شاعران کلاسیک پرداخته شده است.

- قرآن در شعر فارسی تألیف امیر اسماعیل آذر (۱۳۹۴): در بخش‌هایی از این کتاب به تأثیرپذیری شاعران پارسی‌گو از قرآن اشاره شده است. همچنین شاعرانی را که در عناصر بلاغی از قرآن متأثرند، نام برده و نمونه‌هایی از اشعار آنان را ذکر می‌کند.

- محمدیان و رجبی (۱۳۹۵) مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار حمید سبزواری» در نشریه ادبیات پایداری کرمان نگارش کرده‌اند.

پژوهشگران در این پژوهش، اشعار سبزواری را بررسی کرده و مفاهیم مبارزه و انتقاد، هشدار در برابر بی‌توجهی‌ها و دوری از تسامح نسبت به دشمن، دوری از تفرقه و اختلاف را در اشعار سبزواری برجسته دانسته و شاعر در هر فرصتی سعی دارد تا شور و شعور و احساسات مردم را برمی‌انگیزد.

جلوه‌های ادب پایداری چون، ظلم‌ستیزی، شهادت‌طلبی، مبارزه و جان‌فشانی در اشعار سبزواری بازتاب گسترده دارد.

- محمودی و هاشمی (۱۳۹۵) مقاله‌ای با عنوان «بررسی مضامین پایداری در شعر محمد مهدی جواهری» و مجموعه «سرود درد» حمید سبزواری در مجله مطالعات ادبیات تطبیقی نوشته‌اند. پژوهشگران در پژوهش خود، به خاستگاه ایرانی بودن هر دو شاعر، ظلم‌ستیزی، دعوت به مبارزه علیه ظلم، امیدوار کردن مردم در پیروزی، بزرگداشت شهدا و ستایش آزادگی و سرزمین پرداخته‌اند.

خود و گذشته، باعث می‌شود اثری غنی و گرانقدر خلق کند. «براساس مشاهداتی که ما در تاریخ ادبیات خودمان داریم، می‌توانیم با اطمینان بگوییم که هر شعر ماندنی - به طور کلی هر اثر ادبی برجسته - در تاریخ ادبیات، حاصل شکل‌گیری مجموعه‌ای از تجربه‌هاست؛ تجربه‌های یک نسل و اغلب چندین نسل. شاهنامه فردوسی، استمرار کارهای امثال دقیقی و قبل از دقیقی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۸۶) شاعران با قدرت تخیل، از واژه‌ها تصاویر و نقش‌های رنگارنگ می‌سازند و آنگاه که با آیات و احادیث، تاریخ، فلسفه، کلام، نجوم و اسطوره‌ها درآمیزند، آمیخته‌ای می‌سازند که تأثیرگذار خواهد بود و غایت هنر نیز، همین اثرگذاری است. قرآن به عنوان چشمه همیشه جوشان معرفت و کمال به عنوان سرچشمه‌های متنی شاعران و نویسندگان قرار گرفته و «این بهره‌گیری‌ها از نیمه‌های قرن سوم آغاز می‌شود. هرچند از آن روزگار، سروده‌های کمی به دست ما رسیده و اگر چیزی در دست داریم به اندازه‌ای پراکنده و گسیخته است که داوری درباره نحوه بهره‌برداری از قرآن دشوار است. این دشواری به دلایل نوپا بودن شعر دری و بدان خاطر است که بر محور مدح و ستایش یا عشق و غزل می‌چرخید و این محورها و مایه‌ها، با قرآن کمتر پیوند داشته؛ زیرا که با گذشت زمان و گسترش شعر فارسی و پدید آمدن موضوعاتی که نیاز بیشتر به استفاده از قرآن و حدیث داشت، بهره‌برداری از این منبع جوشان نیز، زمینه بیشتری فراهم کرد. مثلاً برخی از مالکیان آن را حرمت‌شکنی می‌پنداشتند و گاهی به تکفیر و تفسیق شاعر می‌انجامید که سیوطی در «تلفاق»، این جوزی در «تلبیس/تلبیس» و میرزا طاهر

مرحله بعد خود برای دیگران پاسخی را بخواهند انگیزت. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که یک گفته یک معنای واحد داشته باشد، بدون اینکه با آثار قبل و بعد از خود در ارتباط باشد» (آلن، ۱۳۸۹: ۳۶). همین نظریه مکالمه بنیاد، که با نام مکالمه‌گرایی نیز خوانده شد، پایه نظریه بینامتنیت شد که ژولیا کریستوا بعداً متوجه آن شد. «این منطق به موضوع «زیبا شناختی» اثر وارد نمی‌شود و به‌طور مرسوم در سخن شاعرانه خفه می‌شود. از سوی دیگر، این منطق به یکی از اساسی‌ترین مشخصه‌ها تبدیل می‌شود و پرداخت هنری خاصی می‌یابد» (تودوروف، ۱۳۷۷: ۳۶).

فرمالیست‌ها در بحث از شعر نکته‌ای را مطرح کرده‌اند که مسئله کلی «مناسبات میان متون ادبی» را نیز پیش می‌کشد. این پیوندهای درونی میان متون (خواه متعلق به یک دوره، خواه از آن دوره‌های متفاوت) را امروز به پیروی از باختین «مناسبات بینامتنی» می‌خوانیم. این بحث، با مقاله «هنر همچون شگرد» شکلوفسکی آغاز شد. او در این مقاله نشان داد که هر چه بیشتر با دورانی آشنا می‌شویم، اطمینان می‌یابیم که انگاره‌ها و تصاویری که شاعر به کار برده است (و به گمان ما ابداع خود شاعر بودند)، تقریباً بی‌هیچ دگرگونی از اشعار دیگری وام گرفته‌اند. نوآوری شاعران نه در تصاویری که ترسیم می‌کنند، بلکه در زبانی که به کار می‌گیرند، یافتنی است. شاعران بر اساس شیوه بیان، شگردهای کلامی و کاربرد ویژه زبان از یکدیگر متمایز می‌شوند» (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۸) که در دوره‌های بعد به آن بینامتنیت انگیزشی گفتند. بنابراین، می‌توان دریافت که غور شاعر یا نویسنده در آثار ادبی و فرهنگی زمان

قمی در «تحفة الاحیاء» که هر دو علیه صوفیه نوشته شده به این موارد اشاره کرده‌اند» (اقبال، ۱۳۶۷: ۱۲).

بی‌تردید، قرآن کریم یکی از اساسی‌ترین عوامل تأثیرگذار در فرهنگ و جلوه‌های فرهنگی از جمله ادبیات فارسی بوده است. به گونه‌ای که اندک زمانی بعد از نزول قرآن و همزمان با حیات مبارک پیامبر اسلام (ص)، نشانه‌های این دگرگونی‌های بزرگ فرهنگی و اجتماعی و اعتقادی به سرعت شگفت‌آوری بروز کرد. از لحاظ زبانی و ادبی، ابتدا شاعران و خطیبان و نویسندگان عرب و سپس با گسترش نفوذ دین اسلام در ایران و دیگر ملت‌های مجاور جزیره‌العرب، شاعران، ادیبان و نویسندگان ایرانی و غیر ایرانی تحت تأثیر این جریان موج‌قرار گرفتند. «شاعران و ادیبان ایرانی پس از پذیرش دین اسلام، به کارگیری و استفاده از قرآن و حدیث را در شعر و کلام منظوم و مستور خود به عنوان اعتقاد دینی و ثواب شرعی و جهت همت خویش ساختند و در این مضمار، به مرور، گوی سبقت را از همگان عرب خود ربودند» (محسنی‌نیا، ۱۳۸۲:

۲۵۲). کم‌کم اشتغال به قرآن چنان عمیق شد که «اگر کسی حرفی یا کلمه‌ای از قرآن می‌گفت، شنونده به همه آیه و معنی آن توجه می‌یافت. حتی اگر یک کلمه از آن به رمز به کار می‌رفت، عارف تمام آیه و محتوای آن را درمی‌یافت؛ هرچند برای عده‌ای حقیقت امر پوشیده می‌ماند. به روایت «ترتیب الدول» سلطان محمود غزنوی (متوفی ۴۲۱) از خلیفه القادر بالله (متوفی ۴۲۲) خواست نام او را در خطبه بیاورد و خلیفه سرباز زد. محمود تهدید کرد که اگر خواهم سنگ بغداد را بر پشت پیلان بیاورم. خلیفه نامه‌ای

فرستاد با مضمون «الم». همه متعجب شدند. بویکر قهستانی حاضر بود. گفت: من دانم! خلیفه به سوره فیل اشاره کرده است: «الم تر کیف فعل ربک بأصحاب الفیل» (الفیل/۱). محمود نادم گشت و دیگر ادب نگه داشت» (حلبی، ۱۳۷۴: ۱۳). تعظیم و منزلت قرآن نزد ایرانیان به حدی بود که گویی با تمام وجود پذیرفته بودند که: «لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشية الله» (الحشر/۲۱) (همان: ۱۶). البته هیچ شاعر و نویسنده موفقی در این عرصه یافت نمی‌شود که از داده‌های هنرمندان قبل از خود استفاده نکرده باشد، ولی اساس آن است که شاعر آنها را روحی تازه ببخشند و ترکیبی نو دراندازد. «شاعری که از جعبه خویش نگوید و پیوسته گرد سخنان مردمان گردد هیچ‌گاه توانایی سرایش شعر ناب را ندارد و شاعر بعد از مهارت در شاعری اگر معنی غریبی شنید اجازه دارد از آن عبارت استفاده کند، ولی نباید عیناً آن را بیاورد تا از تهمت انتحال و سرقت مبرا باشد» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۶: ۱۹۱) و این در واقع همان بینامتنیت انگیزشی است که عنصرالمعالی سال‌ها پیش آن را به خوبی بیان کرده است.

## ۲. حمید سبزواری

حسین ممتحنی مشهور به حمید سبزواری در سال ۱۳۰۴ در سبزواری در خانواده‌ای مسلمان و معتقد چشم به جهان گشود. پدرش «عبدالوهاب»، با وجود نابینایی و پدربزرگش ملا محمد صادق ممتحنی هر دو اهل شعر و ادب بودند. سبزواری اصول شاعری را از پدر آموخت. در همان عنفوان کودکی و اوان دولت زندگانی در ماه محرمی جریان شهادت

م. حادثه‌ای تلخ روی داد و انواع خشونت و ستم را از جانب نیروهای اسرائیلی تجربه کرد» (ابوشاور، ۲۰۰۳: ۴۴۲). تحصیلات متوسطه را بعد از این حادثه در مدرسه عالی‌تر اسانظه در ناصره به پایان رساند و پس از آن «بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷ به آموزش متوسطه در همین شهر مشغول شد. وی همچنین یک سال در موسکو به فراگیری فلسفه، اقتصاد سیاسی و زبان روسی پرداخت» (کنفانی، ۱۹۸۶: ۱۱۶). تمایلات ادبی و گرایش‌های سیاسی سمیح از همان سنین نوجوانی بروز کرد. او توانایی‌های ادبی و هنری خود را با شرکت در فعالیت‌های فرهنگی مدرسه و ایفای نقش در تئاترها سرودن شعرها نشان داد» (القاسم، ۱۹۹۲: الف / ۲۱). سمیح در طول حیات خود، مشاغل و فعالیت‌های مختلفی داشته است. او مدتی به تدریس در مدارس مشغول بود، ولی به دلیل فعالیت‌های سیاسی، توسط وزیر معارف اسرائیل از کار برکنار و در منطقه صنعتی حیفا به کارگری وادار شد (همان: ۲۲). عمده فعالیت‌های او در مطبوعات بود. «با روزنامه‌ها و مجلات متعددی از جمله *الاتحاد و الاجدید* همکاری کرد و مدیریت مؤسسه هنرهای ملی در حیفا را بر عهده داشت. در زمان تأسیس اتحادیه نویسندگان عرب و اتحادیه کل نویسندگان عرب فلسطینی در اسرائیل، سمیح ریاست آن را برعهده داشت» (همان). البته سمیح قبل از آنکه به صورت جدی به فعالیت‌ها یا دبیر وی آورد، مدتی عضو حزب کمونیست بود» (الجیوسی، ۱۹۹۷: ۳۷۸). او بارها به علت اشعار انقلابی و فعالیت‌های سیاسی‌اش علیه رژیم اشغالگر صهیونیستی زندانی شد. با این حال، سمیح همچنان

حضرت علی اصغر (ع) را به شعر درآورد و بسیار مورد تشویق پدر قرار گرفت. از این زمان شعرگفتن را به طور جدی آغاز کرد و در همان بدایت راه شعر و شاعری، به دلیل روحیه آزادگی و ظلم‌ستیزی که داشت به مبارزه با رژیم پهلوی پرداخت و بعد از جنگ تحمیلی رشد و بالندگی خود را در شعر انقلاب نشان داد (ابراهیمی و شادمهر، ۱۳۸۹: ۶۴). از جمله آثار سبزواری می‌توان به کتاب‌های *سرود درد*، *سرود سپیده*، *کاروان سپیده*، *یاد یاران*، به رنگ *آمده دشمن آمده*، *سرودی دیگر* و ... اشاره کرد. استاد حمید سبزواری شاعر پیشکسوت انقلاب به دلیل کهولت سن و بیماری، بامداد شنبه ۲۲ خرداد ۹۵ در سن ۹۱ سالگی دارفانی را وداع گفت.

### ۳. سمیح القاسم

سمیح محمد القاسم یکی از شاعران بزرگ معاصر فلسطین و جهان عرب است. از خاندان مسلمان و دروزی آل حسین در منطقه رامه و متولد یازدهم می ۱۹۳۹ م. در شهر زرقاء اردن است (القاسم، ۱۹۹۲: الف: ۱۹). پدرش از افسران نیروهای مرزی بود. محیط خانوادگی سمیح، فضایی علمی و فرهنگی داشت. این فضای سرشار از علم و فرهنگ و ادب نقش عظیمی در تبلور فرهنگ و شکوفایی استعداد وی ایفا کرد. خاندان حسین در گرایش به علم و فرهنگ معروف هستند. پدر بزرگ پدری‌اش پیشوای اهل روستا و پدر بزرگ مادری‌اش از بزرگ‌ترین فقهای طایفه مسلمانان دروزی بود» (صدوق، ۲۰۰۰: ۳۱۵). سمیح بین سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۵ م. در مدرسه نصارای لاتین و مدرسه ابتدایی رامه به تحصیل پرداخت. در خلال تحصیلش، در سال ۱۹۴۸

در فلسطین ماند و از سازش با اسرائیلی‌ها امتناع ورزید.

سمیع القاسم در زمینه‌های مختلف ادبی، آثار منظوم و منثور ارزشمند و ماندگاری دارد. تمام آثار او در شش مجلد با عنوان «أعمال سمیع القاسم الكاملة» به چاپ رسیده است که چهار مجلد آن مختص آثار منظوم است و دو مجلد آن به آثار منثور (آثار نمایشی، داستانی و مقالات) وی اختصاص داده شده است.

### بحث اصلی

هر دو شاعر از قرآن الهام گرفته‌اند و اثرپذیری هر دو بیشتر به صورت باطنی و پنهانی بوده است. اثرپذیری به صورت پنهان، یعنی به صورت پنهان، شاعر مضمون یا تصویری قرآنی - حدیثی را در شعر خویش بیاورد و یا سخن خود را بر پایه آیه یا روایتی بنیاد نهد بی ن که به بهره‌گیری خود اشاره کند که انواعی دارد و در ذیل بدان اشاره می‌کنیم:

#### ۱. وام‌گیری

در این شیوه، که در زیرمجموعه اثرپذیری واژگانی قرار دارد، «واژه یا ترکیبی قرآنی یا حدیثی با همان ساختار عربی خود، بدون آنکه آ سببی ببیند، به زبان و ادب فارسی راه می‌یابد» (راستگو، ۱۳۸۶: ۱۶).

#### ۲. برآیندسازی

یک کلمه از قرآن گرفته می‌شود و با آن ترکیب می‌کنند: «در این شیوه واژه یا ترکیبی بی‌آنکه خود به صورت واژه یا ترکیب در قرآن آمده باشد، بر پایه مضمون آیه یا داستانی قرآنی ساخته می‌شود. مانند:

از سابقه نومید نشدن» (راستگو، ۱۳۸۶: ۱۸). برآیندسازی بر پایه مضمون آیه یا حدیث یا داستانی قرآنی - حدیثی ساخته می‌شود. مثل ید بیضا، سبقت، دم عیسی، نفس عیسی، پیراهن یوسف، کلبه احزان، آتش موسی، طوفان نوح، کشتی نوح، عمر نوح، ملک سلیمان، نگین سلیمان، صبر ایوب.

در این شعر، شاعر الله اکبر را در بیت خوش نشانده و آن را با استفاده از کلمه «نعمه» در نقش مضاف‌الیه نشانده است:

در ظلام شب خروش بامها

لرزه می‌افکند بر اندامها

نعمه الله اکبر می‌ربود

خواب نوشین از سر خود کامها

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۱)

سبزواری خطوات و گام شیطان را با ترکیب «انگشت ابلیس» ترکیب سازی زیبا کرده و برداشت آزادی از این آیه قرآن ارائه کرده است: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُهْزِئُ مِنَ يَشَاءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پای از پی گام‌های شیطان منهدید و هر کس پای بر جای گام‌های شیطان نهد [بداند که] او به زشتکاری و ناپسند وامی‌دارد و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‌شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا [ست که] شنوای داناست (نور/۳).

از هر کران نقش خیانت آشکار است

انگشت ابلیس زمان هر سو به کار است

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

قسم به فجر که پیغام‌آور سحر است نشان

که شب به بستر یلدای خویش محتضر است

مرگ ز سیمای او عیان بینم

نفس به سینه پر کینه‌اش گران بینم

(همان: ۲۴۶-۲۴۴)

پشت ستم می‌شکند قدرت پیکار شما

زهره زهم می‌گسلد غرش رگبار شما

غنچه تکبیر شما تا که به لب می‌شکند

نغمه زند مرغ دل از لذت گفتار شما

(همان: ۲۴۳)

غنچه تکبیر ترکیبی است که بخشی از آن،

اثرپذیری از نوع ترجمه بوده است که با غنچه ترکیب

شده و در مجموع اثرپذیری از نوع برآیندسازی را

ساخته است.

صبح روشن:

شبی که در دل آن شب سپیده می‌روید

مرا امید رهایی به دیده می‌روید

نشید مرغ که پیغام صبح روشن داشت

ز تار حنجره خون‌چکیده می‌روید

(همان: ۲۰۵)

از نمودهای دیگر شعر سبزواری پرداختن به

موضوع ظفر و پیروزی است که در ترکیب صبح

صادق نشان داده است:

صبح صادق قدرت کاذب شکست

رشته‌های دام اهریمن گسست

اهرمن اسیمه از میدان گریخت

تا کجا افتد گریبانش به دست

(همان: ۳)

أَتَذْكُرُ رِنَّةَ الْجَرَسِ / وَ عَهْدَ الْكُتُبِ وَ الزَّمْلَاءِ... وَ

الْحُلُوهِ / ...أَتَذْكُرُ حَصَّةَ التَّارِيخِ... وَ الْأَسْتَاذَ يَشْتَبِهَ /

فَيْهِنَانَا بِأَصْبَعِهِ / عَنِ اللَّفْتَاتِ وَ الْبَسْمَاتِ / ... وَ يَزْجُرُنَا:

كَفَيَانْتَبَهَوَا / ... وَ فَيَوْمِ مَمْنَأَلِ يَامِ / تَلَفَّتْنَا ... فَزَلَزْنَا خَوَاءَ

الْمَقْعَدِ الْعَالِيِ / وَ مَرَّ الدَّرْسِ ... مَرَّ الدَّرْسِ مَشْمَلُولًا ...

بِطَاءِ الْعَامِ / وَ لَمَنْفَهْمَسُوِيِ أَحْلَامِ»

(سمیح القاسم: ۲۰۵/۱)

صدای زنگ را به یاد داری / و زمان کتاب‌ها و

همش‌اگر دی‌ها... و آن دختر زیبا و نمکین را / ... آیا

کلاس درس تاریخ را به یاد داری... و استاد را که به

ما شک می‌کرد / پس با انگشتش ما را نهی می‌کرد / از

به اطراف نگاه کردن‌ها و خنده‌ها... / و ما را سرزنش

میکرد که: کافی است، دقت کنید... / و روزی از

روزها / نگاه کردیم... ناگاه خالی بودن آن صندلی

عزیز و بارزش ما را شوکه کرد / و کلاس درس

گذشت... کلاس درس لنگان لنگان و به آرامی

گذشت... به کندی یک سال / و ما جز رؤیاها و

آرزوها چیزی نفهمیدیم».

فرجام آدمیان مرگ و پس از آن قیامت کبراست

که سمیح القاسم در شعر خویش با واژه «آخر آخره»

آن را نشان داده است:

حَاوَلْتَنَا تَيْكُ / يَوْمَ فَتَأْتِ الْقِبَالَ السَّرِيرُ /

فِي الْفَنَدَقِ الْتَائِيَا لِأَخِيرُ / حَاوَلْتَنَا تَيْ / لِأَحْضَنَرُ

أَسْكَالِ الْمَقْطُوعِ / بِالْحَسْرَاتِ / فَيَمْنَفِيَا الضَّمِيرُ /

حَاوَلْتَنَا تَيْكُ / كَمَحَاوَلْتِ / لَكُنْنِي فَقِيرُ... /

حَاوَلْتَنَا تَيْكُ / مَعْتَدِرًا لِمَوْتِكَ عَنِ حَيَاتِي / سَامِحْنِي

وَ اِقْسَمْ لَنْ اِسَامِحَهُمْ لِأَخْرِ آخِرِهِ.

(القاسم، ۱۹۹۲: ۱۸۸/۳-۱۹۳)



منتظر پرندهٔ محبوب و آهنگ خوش و دلنشین شدیم /  
... پرندهٔ بهشت بالش را به سوی غیب گستراند / و  
ترانهٔ افسونگرِ مفتون... رفت / ... تبدیل به یک اشتیاق  
شد / خاطره‌ای شد ... نجوایی شد / ... ما بعد از تو  
اشتیاقی هستیم که آرام نمی‌گیرد / و چشمان بیداری  
هستیم که منتظر و گریان است».

#### ۴. تأثیرپذیری از نوع ترجمه

##### ۴-۱. تأثیرپذیری از نوع واژه

در این شیوه، شاعر از گردانیدهٔ فارسی واژه یا ترکیب  
و یا آیهٔ قرآنی بهره می‌گیرد (راستگو، ۱۳۸۶: ۱۷).  
شیوهٔ ترجمه با التزام به متن عربی، روشی میانه  
ترجمهٔ لفظ به لفظ و ترجمهٔ آزاد و روان است.  
بهره‌گیری از برگردان یا ترجمهٔ آیات و احادیث در  
این نوع از اثرپذیری، نویسنده به جای اینکه اصل آیه  
را به عربی در کلام و نوشتهٔ خویش به کار گیرد، آن  
را به فارسی بر می‌گرداند.

عزم دارم نشکنم پیمان خود را با رسول

عهد بستم نگسلم پیوند جان را از امام  
پایبندم تا به حفظ خود یاران وطن

جلوه‌های عافیت بر من نگردد پای دام

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۲۹۹)

سبزواری در ابیات زیر که برای شریعتی سروده  
است، عقیده دارد خونبها و قصاص شریعتی باید از  
دشمن گرفته شود. واژهٔ قصاص و ابلیس که از  
واژگان قرآنی است با برگردان فارسی در شعر  
سبزواری این‌گونه جای گرفته است:

ما خونبهای تو ز دشمن می‌ستانیم

از فرق این دیوانه گرز می‌ستانیم

داد دل از این دیو ریمن می‌ستانیم

تلاش کردم که نزد تو بیایم / روزی که قلبت را  
در بستر شکافتی / در واپسین هتل دوردست / تلاش  
کردم که بیایم / تا سرت را به آغوش بکشم که بریده  
شد / با حسرت‌ها / در تبعیدگاه وجدان / کوشیدم که  
نزدت بیایم / چقدر کوشیدم / اما تهیدستم / تلاش  
کردم که نزدت بیایم / تا پوزش بخواهم از زنده  
بودنم، به خاطر مرگت / ... مرا ببخش / سوگوگند  
می‌خورم / تا پایان قیامت نمی‌بخشمشان! / پس به  
سمت ما برخیز / دوست من / تو می‌دانی چقدر  
دوستت داریم / تو می‌دانی / چقدر دوستت داریم».

#### ۳. فردوس

صوتها کان عجیباً / کان مسحوراً قوا... نغمه  
أفلتها فردوس فی آفاقنا / لفتنا وأنسابی أعماقنا /  
فاستفأقت جذوة من حزننا الخامد / من أشواقنا / و کما  
أقبل فجأه / صوتها العذب تلاشی وتلاشی / ... تارکاً فینا  
حیناً وارتعاشاً /

... وانتظرنا الطائر المحبوب بالحن الرحیم

... طائر الفردوس قد مدالی الغیب جناحاً / والتشید

الساحر المسحور... راحا... / صار لوعه / صار ذکرى...

صار نجوی / نحن من بعد كشوق لیسیداً / و عیون

سهد ترنو و تندی»

(القاسم، ۱۹۹۲: ۱ / ۳۴-۳۲)

صدایش عجیب بود / مسحورکننده و نیرومند

بود / ... نغمه‌هایی بود که فردوس در دنیای ما پراکند /

ما را دربرگرفت و در اعماق وجودمان نفوذ کرد / پس

پاره‌ای از آتش خاموش اندوهمان بیدار شد / پاره‌ای

از آتش اشتیاقمان / و همان‌طور که پیش آمد، به ناگاه /

صدای دلنشینش متلاشی و نابود شد / ... و در میان ما

دلتنگی و اشتیاق و لرزهایی برجای گذاشت / ... و

اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید. پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید آن را به خدا و پیامبر عرضه بدارید این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است (نساء/۵۹).

در این اثرپذیری بهره‌گرفتن از نام و عملکرد شخصیت‌های قرآنی نیز جای می‌گیرد. در این بیت، سبزواری به فرعون اشاره کرده است:

هنگامی که پیکر نحیف بردگانش آماج بود / فرعون را چه می‌شد اگر کاخی از دل‌ها می‌داشت و نه بر دل‌ها (سبزواری، ۱۳۶۸: ۱۱)

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَعْلَظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (التحریم/۹).

ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان وصال و جدایی، کفاره من پرداخت نشده و مسافت و فاصله به مسافتی دیگر بسته شده است».

جهاد:

با بذل جان از سعی خود حاصل گرفتی

اجر جهاد خویش را کامل گرفتی

(سبزواری، ۱۳۷۶: ۳۶۰)

تنگ بندید تنگه رزمگران را میان

هر که زبونی کند در خور پیکار نیست

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۲۸۲)

۴-۲. تأثیرپذیری ترجمه از نوع مفهوم و محتوا

مفاهیمی که از قرآن اقتباس شده و در شعر دو شاعر به صورت پنهان، آشکار شده است:

زین جان‌ستان، جان و سرو تن می‌ستانیم

(سبزواری، ۱۳۷۶: ۳۶۲)

در جای دیگر، سبزواری سروده است که خدا و بزرگان دین، داد مظلومان را می‌ستانند و کافران و ظالمان را قصاص خواهند کرد:

شهسواری ز دل گرد برون آید

در کفش رایت آزادی انسان‌ها

داد بستاند و کیفر دهد و گیرد

داد این ملت مظلوم ز خافان‌ها

(همان: ۲۹۳)

سمیح‌القاسم نیز از واژه‌های قرآنی برای بیان

مفاهیمی غیرقرآنی بهره‌جسته است:

جَادَكَ الْعَيْثُ، لَا جَادَكَ الْعَيْثُ، يَا زَمَنَ الْوَصْلِ / وَالْفَصْلِ، كَفَارَتِي / لَمْ تَجْزِ وَالْمَدَى مَوْصِدًا بِالْمَدَى»

(القاسم، ۱۹۹۲: ج ۲/۵۶۷)

باران بر تو ببارد، باران بر تو نبارد، ای زمان وصال و جدایی، کفاره من پرداخت نشده و مسافت و فاصله به مسافتی دیگر بسته شده است».

سبزواری سرسپردگی بی‌چون و چرای ملتی

مقاوم را در برابر ولی خویش می‌ستاند:

حکم جلودار است بر هامون بتازید

هامون اگر دریا شود از خون بتازید

فرض است فرمان‌بردن از حکم جلودار

گر تیغ بارد گو ببارد نیست دشوار

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۸)

این شعر برگرفته از مفهوم قرآنی است که

می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى

- حب وطن و محافظت خانه و کاشانه

یکی از موضوعات برجسته‌ای که سبزواری در اشعار خویش به کار برده، میهن‌دوستی و میهن‌پرستی است. «تطابق اندیشه‌های ملی و دینی با طرح روایت «حب الوطن من الایمان» قول شارع مقدس و دین اسلام سبب شد، تا ایرانیان عشق به میهن و آرمان‌های دینی را مد نظر قرار دهند» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۶۸).

تاراج و باج و فتنه را گردن نهادیم

خفتیم غافل خانه بر دشمن نهادیم

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۶)

وطن‌دوستی نیز، در اشعار سمیح بازتاب گسترده دارد و این مفهوم الهی در شعر او به گونه‌ای هنرمندانه و بدیع پردازش شده که شائبه هر گونه اثرپذیری را به حداقل رسانده است:

یا حبیبی عدقلیلا / لکفی ثغ لاری حساسینوفی

صدری بساتین / و فی حضنی آیائل / یا حبیبی / عد

فتیاً وقویاً وجمیلا / لک فی عینی أشعار أقمار / ... یا

حبیبی لک فی شعری سنابل

(همان منبع: ۳۳۷/۳-۳۳۸)

محبوب من، اندکی بازگرد / برایت در دهان من

سه ره است / و در سینه‌ام باغ‌ها و بوستان‌هاست / و در

آغوشم گوزن‌های نر است / ای محبوب من / جوان و

قوی و زیبا بازگرد / برایت در چشمانم شعرها / و

ماه‌هایی است ... / ای محبوب من، برایت در گیسوانم

سنبل‌هاست.

سمیح تأکید می‌کند نه تنها در تبعیدگاه‌ها، بلکه

در دوران آوارگی نیز وطن را فراموش نمی‌کند. در

اردوگاه‌های آوارگان همچون کیوتتری ناله جدایی از

وطن سر می‌دهد و عشق به وطن اراده و استقامت او

را تقویت می‌کند:

أیها المأفون ... فأسمع / صوترؤ یاوإرادة /

وزغاریدولاده / ... ألعمام الزاجل المنفیلا ینسیلاد

(سمیح القاسم، ۱۳۹۲: ۱۱۶/۱)

ای ابله ... پس بشنو / صدای رؤیا و اراده را / و

هلهله‌های تولد را ... / کیوتر نامهرسان تبعیدشده

سرزمینش را فراموش نمی‌کند.

- هشیاربودن و پرهیز از غفلت و بی‌خبری

سبزواری مردم را زنهار می‌دهد تا ظاهر بین نباشند و

به زخارف دنیوی دل نسیارند:

در عظمت اهرام ثلاث میندیش / از عظیم

تازینه‌ها یاد کن (سبزواری، ۱۳۶۸: ۱۱).

سبزواری در شعر زیر، علی شریعتی را به لحاظ

بیداری و هشیاری ستوده است و از مرگ او تأسف

می‌خورد و حسرت می‌برد:

خفتی چرا ای روز و شب بیدار بوده

روشنگر این شامگاه تار بوده

با خستگان خفته در پیکار بوده

شب تا سحر با رنج و محنت یار بوده

(سبزواری، ۱۳۷۶: ۳۵۶)

در این شعر، شاعر موضوعی قرآنی که بیدار بودن

و آگاه بودن است را با برداشت آزاد به گونه‌ای در

شعرش جای داده که تأثیرپذیری را کمرنگ نشان داده

است، اما به لحاظ محتوایی و مفهومی وام‌گرفته از

کلام‌الله مجید است.

- نکوهش نفاق و دورویی

مبادا آن نهال نفاق پاگیرد

که هر چه شرط کرامت بود ز ما گیرد

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۲۵)

- نکوهش اختلاف و تشویق بر وحدت کلمه

دیوارها به فاصله در میان ماست خط زخم

دور زمان به کام دل دشمنان ماست زین مرز  
آن زمان رسید که دل همدمی ندید

اختلاف که پیدا میان ماست

(سبزواری، ۱۳۷۶: ۳۵۸)

- زنده بودن شهیدان

در ابیات زیر که سبزواری برای شریعتی سروده است  
بیان می‌کند شهیدان همیشه زنده‌اند:

هرگز نخواهد همچو تو دانای فردی

دانشوری، شورا فرینی، رهنوردی

گردی دلیری، سخت‌کوشی یکه مردی

انسان نوازی چاره‌سازی، اهل دردی

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۳۵۸)

مفهوم زنده‌بودن و مانا ماندن شهیدان در اشعار

سمیح القاسم نیز بازتاب یافته است. سبک او در

تأثیرپذیری از قرآن بسیار خلاقانه است. خلاقیت او

موجب شده تا اجزای خوگر (معتاد) را در چینشی

نو، هیأتی جدید دهد و این‌گونه اثرپذیری را بسیار

کمرنگ نشان بدهد. چنین بیامنتیتی به قول فرمال‌های

روس، «بینامنتیت انگیزشی است» (احمدی، ۱۳۸۴:

۶۵) و بسیار سزاوار تحسین است:

«يا قَصْفَ الْحَبِقِ الَّتِي سَطَعَتْ عَيْبِرًا مَوْمِنًا/ يا بَلْبَلًا غَنَى

عَلَى الْكُونُغُو نَشِيدًا مَحْزِنًا/... يا مَيْتًا لَكِنْ صَوْتِكَ خَالِد

فِي صَوْتِنَا!!/ يا مَيْتًا لَكِنْ رُوحَكَ خَالِدَ فَيُروِحُنَا!!/ يا مَيْتًا

لَكِنْ دِينِكَ خَالِدَ فِي دِينِنَا!!/ نَمَ بَعْدَ أَنْ أَيْقَظْتَ أَهْلَ

الْكَهْفِ مَنْوَمِ الضَّنَى/ نَمَ بَعْدَ صَحْوِكَ فِي الْأَسَى».

(سمیح القاسم، ۱۳۹۲: ۶۱/۱-۶۳)

ای شاخه ظریف و نازک پونه‌ای که بوی خوش

را با ایمان و اعتقاد پخش کرد/ ای بلبلی که ترانه‌ای

غم‌گین بر کونگو سر داد/... ای کسی که از دنیا

رفته‌ای، اما صدایت در صدای ما جاودانه است/ ای

کسی که از دنیا رفته‌ای، اما روح در روح ما

جاودانه است/ ای کسی که از دنیا رفته‌ای، اما دین و

عقیده‌ات در دین و عقیده ما جاودانه است/ بخواب

بعد از آنکه غارنشینان را از خواب غم و اندوه بیدار

کردی/ بخواب بعد از بیداری‌ات در اندوه.

- شهادت‌طلبی

به کوی دوست سرو جان به باد باید داد

فتون عشق به فرهاد باید داد مرز اختلاف

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۲۰۸)

در اشعاری چنین، شاعر از شمیم خوش شهید

و شهادت سرخوش می‌شود و با شور و شوق و

طرب می‌گوید:

بوی یاس سپید می‌شنوم

عطر خون شهید می‌شنوم

عطر جان عطر جبهه عطر عروج

از دیاری بعید می‌شنوم

(همان: ۳۵)

سمیح القاسم نیز مقام شهید و ارزش شهادت را

می‌ستاید، اما با بیان دیرآشنا و دیگرگون تا حلاوت

فهم و لذت مجدد را بر مفهومی دست‌مایه و در

دسترس بنشانند. شاعر از اینکه می‌بیند جایگاه

شهیدان (قبر) پر نور و عریض است، غرق در سرور

می‌شود و آن را سزاوار مقام شهادت می‌خواند:

أَخَذُوا الْأَتْجَاهَا صَحِيحٍ لَوْ مَضُوا وَاحِدًا وَاحِدًا/ كُنْ تَرَى

مِنْهُمْ عَائِدًا أَخَذُوا الْأَتْجَاهَا الصَّحِيحَ إِلَى مَوْتِهِمْ/... أَي شَيْءٍ

تَرَى/ هُوَ هَذَا الْمَكَانُ الْفَسِيحُ؟/ مَنْزِلٌ أَمْ ضَرِي.

(سمیح القاسم، ۱۳۹۲: ۳/ ۵۲۱-۵۲۲)

می‌پرسم / آیا سبزه پاک‌تر و سرسبزتر نبود؟ / آیا صبح زرد و رنگ پریده شده است؟ / آیا گل سرخ غبارآلود شده است؟ / آیا افق بالاتر و گسترده‌تر نبود / آیا خورشید با شکوه‌تر، درخشان‌تر و نزدیک‌تر نبود؟».

سمیح القاسم در جای دیگر این مفهوم را چه زیبا و خلاقانه کسوتی نو درانداخته و شعری به‌سامان خلق کرده‌است:

أَتَذْكُرُ عصفورَةَ الفَجْرِ / أَعْنِيَةَ السَّنْدِيَانِ؟ / أَيْذُكُرُ  
بعضالرُعاءَ القُدَامِي / طَراوَهُ نَعْناعَهُ النَّعِ / فَيَأُولِ اللَّيْلِ /  
هل ظَلَّ بَيْنَ الخَلَائِقِ / مِنْ يَذْكُرُ الوَلدِ الأَرْجَوَانِي / تَحْتِ  
القَنَاطِرِ (سمیح القاسم، ۱۳۹۲: ۴ / ۲۲۸).

«آیا گنجشک سپیده دم به یاد می‌آورد / ترانه درخت بلوط را / آیا از چوپانان قدیمی، کسی به یاد می‌آورد / طراوت و شادابی نعناع چشمه را / در آغاز شب / آیا در میان مردمان باقیمانده است / کسی که کودک ارغوانی را به یاد آورد / در زیر گذرگاه‌ها و پل‌ها».

- غنیمت شمردن فرصت

گاه سفر آمد نه هنگام درنگ است

چاوش می‌گوید که ما را وقت تنگ است

گاه سفر آمد برادر گام بردار

چشم از هوس از خورد، از آرام بردار

(همان، ۱۳۶۸: ۵)

و در جای دیگر این چنین سروده‌است:

«ورطه نزدیک است و سلامت را فرصتی

باریک / راه بسی دشوار و طولانی است / شوق مقصد

«مسیر درست و صحیح را درپیش گرفتند / و یکی یکی رفتند / هرگز نمی‌بینی که کسی از آنها بازگردد / مسیر درست به سوی مرگشان را در پیش گرفتند / ... چه می‌بینی / این مکان گسترده و وسیع / خانه است یا آرامگاه؟»

- انتقاد از ظلم و بدپویگی

سبزواری از ظلم و ستمی که از طرف بیدادگران و نالایقان در حق سرزمینش می‌بیند، معترضان می‌گوید:

این چه نظمی است که باشند نگهبانانش

سفلگان، بی‌خردان، دزدان و کشخان‌ها

(سبزواری، ۱۳۷۶: ۳۸۷)

سمیح نیز ارزش‌ها را می‌پسندد و آنان را سپاس می‌دارد. همان ارزش‌هایی که مشترک میان ابنای بشر است. سمیح دلتنگ زیبایی و ارزش‌های گذشته است. او می‌گوید: در پشت زرق و برق دنیای مدرن، صفا و صمیمیتی نیست. نه خورشید، آن

خورشید گرم و پرفروغ گذشته است و نه افق، آن

افق والا و گسترده. سبزه‌ها دیگر سبز و گل‌ها دیگر

آن گل‌های سرخ گذشته نیستند. سمیح در جست

وجوی آنهاست و همچنان با حیرت و دلتنگی از

خود می‌پرسد آن همه زیبایی و رونق کجا رفته است:

وَإِنِّي لَأَسْأَلُ نَفْسِي وَأَسْأَلُ / وَأَسْأَلُ نَفْسِي وَأَشْفَى

وَأَضْجِرُ / أَلَمْ يَكُنِ العُشْبُ أَنْقَى وَ أَنْضَرُ؟ / هَلِ الصَّبْحُ

أَصْفَرُ؟ / هَلِ الوَرْدُ أَغْبَرُ؟ / أَلَمْ يَكُنِ الأفْقُ أَعْلَى وَ

أَرْحَبُ / أَلَمْ تَكُنِ الشَّمْسُ أَزْهَى وَ أَقْرَبُ

(سمیح القاسم، ۱۳۹۲: ۱۶۹/۳)

«و من باید از خود سؤال کنم و بپرسم / و از

خودم، در حالی که عذاب می‌کشم و دلتنگ می‌شوم،

هر کجا خواب و خور است آنجا روند

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۲۵۷)

- بدکاران با ابلیس پیمان بسته‌اند

نامرد مردی از تبار سفله‌خیمان

نامردمی را بسته با ابلیس پیمان

شیرخیانت مادرش در کام کرده

نامش به فرمان قضا صدام کرده

بازش به دامان خباثت پروریده

تکریتیان را ننگ دیگر آفریده

(همان: ۱۷۰)

عدم صلح با نابکاران اقتباس محتوایی از تعالیم

پرنور قرآنی است که سبزواری در اشعار خویش آن

را به کار گرفته است:

ای خصم امان خورد و خوابت ندهیم

تا از دم تیغ تشنه آبت ندهیم

از صلح مگو سخن که در پهنه رزم

جز برق سلاح خود جوابت ندهیم

(همان: ۴۳۷)

یا در جای دیگر سروده است:

خوش‌نشینان ساحل بدانند

تا که دریاست و این شور و حال است

چشم‌سازی ز دریا ندارند

سازش موج و ساحل محال است

(همان: ۲۲۲)

مسیح‌القاسم در بیان مفاهیم مطمح نظرش از

مفاهیم قرآنی بهره‌جسته است. به عنوان مثال او برای

سرودن تکامل از آیاتی بهره‌جسته که به بهترین وجهی

با به‌کارگیری صنعت تشبیه، تکامل را نشان داده است.

و شکوه لحظه دیدار/ رهروان را توشه راه باد/ بیم

طوفانت مبادا باز دارد بازوان از کار/ هیچ نومیدی

مبادت از هجوم موج لطمه‌ها/ هر چند سنگین است

سینه بر دریا زدن/ دریادلان را نیز شیرین است

(همان: ۲۱).

سمیح القاسم از دست‌رفتن فرصت را گونه‌ای

دیگر سروده‌است که اثرپذیری را به کمترین حد

ممکن نشان داده است و این نشان از قدرت خلاقیت

شاعر دارد:

مِنَ الَّذِي بِالْبَابِ / أَيُّهَا الشَّيْخُوخَةُ؟ / ... لَعَلَّهُ، لَعَلَّهُ

الشَّبَابُ؛ «! چه کسی پشت در است/ ای پیری و

کهن سالی؟/ ... شاید، شاید جوانی

(سمیح‌القاسم، ۱۳۹۲: ۲۹۱/۳)

و در جای دیگر پیری را چنین بر شمرده است:

كَبْرَتُ / وَصِرَتُ / مَنَالًا هَلْفِيْمِنَزِلَ الْحَزْنِ / قَلْبِيْتَمَهْلُ /

و صوتی ترهل/ و ضاقت‌خطای/ هرمت/ و غم

(همان: ۱۶۸ / ۳)

پیر شده‌ام و شده‌ام/ عضوی از سرای اندوه/

قلبم به کندی زده/ و صدایم ضعیف شده است/ و گام

بردا شتم سخت گشته/ پیر و سالخورده شده‌ام/ و

ابری شده‌ام اندوهگین.

حدیث «الفُرْصَةُ سَرِيْعَةُ الْفَوْتِ بِطَيْبَةِ الْعُودِ» که

منشأ قرآنی دارد، توجه آیات و روایات را به غنیمت

شمردن وقت نشان می‌دهد.

سبزواری در برخی از اشعارش خطاب به

کم‌خردان نازپرورد چنین ملامت‌گرانه می‌سراید:

مرز ایران جای مردان خداست

نی سرای سفلگان هرزه‌لاست

گو همه غوکان از این دریا روند

می سازد/ شهر جدیدمان را می سازد/ ... تصاویری  
رنگارنگ / روزنامه‌ها / رادیوها / سفارتخانه‌ها/  
وزارتخانه‌ها.

### بحث و نتیجه‌گیری

قرآن عظیم از چنان گستره بیکرانی برخوردار است  
که غور در آن دریای ناپیدا کرانه از بشر معمولی  
ناممکن است. قرآن ثقل اکبر است که در کنار ثقل  
اصغر کشتی وجود آدمی را به سر منزل نجات و  
رستگاری سوق می‌دهد. بهره گرفتن از آیات ناب و  
مفاهیم متعالی این کتاب آسمانی در تار و پود وجود  
مسلمانان تنیده شده و هر مسلمان و آزاداندیشی  
در صدد است تا قامت رسای حقیقت قرآن را بیش از  
پیش جلوه‌گر سازد. از این‌رو، بازتاب قرآن در شعر  
شاعران مسلمان بدیهی و واضح است. بر این اساس،  
اشعار سبزواری و سمیح القاسم بررسی شد و معلوم  
شد هر دو شاعر از قرآن الهام گرفته‌اند و هر دو  
شاعر نگاه عمیق و بینش استواری نسبت به قرآن  
دارند. سهم اثرپذیری سبزواری بیش از سمیح القاسم  
است و البته هنرمندی و خلاقیت سمیح القاسم بیشتر  
از سبزواری است. در اثرپذیری پنهانی سمیح القاسم  
از سبزواری موفق‌تر عمل کرده است.

### منابع

قرآن کریم.  
ابراهیمی، فاطمه و شادمهر، فریبا (۱۳۸۹). *از سبزه‌وار  
تا سرزمین رؤیا*. تهران: سوره مهر.  
آبوشاور، سعدی (۲۰۰۳). *تطور الاتجاهات وطنیفی  
الشعر الفلستانی المعاصر*. بیروت: المؤسسة  
العربیة للدراسات و النشر.

نأینأتیت؟... / منأجیال / یحکیأنهنأکریاح /  
وهناککفأح... / وهناککمایحکیبذره / تتسلل... /  
روحأفیصخره / وتشقألدرب / إلیالشمس... /  
یحکیأنهنأکریاحأ / وهناکلقأحأ / وهناکجذورأ... /  
لمتمر ضبالیأس (سمیح القاسم، ۱۳۹۲: ۲۵۳-۲۵۲)  
«کجا آمده‌ای؟ ... / از نسل‌هایی که / حکایت  
می‌کند که آنجا بادهایی هست / و لقاح و پیوند است /  
و آنجا آن‌طور که حکایت می‌کند بذر و دانه‌ای است /  
که وارد می‌کند... روحی را در صخره‌ای! / مسیر را  
می‌شکافد / به سوی خورشید... / ... حکایت می‌کند  
که آنجا بادهایی هست / و آنجا لقاح و پیوندی است /  
و آنجا ریشه‌هایی است / ... که دچار بیماری یأس و  
ناامیدی نشده‌اند». اشاره به آیه: و الله انبتکم من  
الارض نباتا: و خدا شما را چون نباتی از زمین  
برویانید (نوح / ۱۷).

سمیح القاسم در جای دیگر، تغییر وضعیت  
موجود را نیز با فعل «اعود» و تکرار آن به بهترین  
نحوی نشان داده و به نوعی تکامل و دیگرگونی را  
بیان کرده است:

سأعوذأمس /  
أعوذأمسمنالسفر / و یعودللغیمالمطر / ... وأعود  
أمسمنالعواف / ... و تعودأیدیالمقطعة / الموزعة... /  
تنبیالمدارسوالمقاهیوالمنازل / تبنیمدیتتناالجديدة... /  
صورملونه... / صحف / إذاعات / فارات / وزارات.

(سمیح القاسم، ۱۳۹۲: ۱۴۶/۳ و ۱۶۱-۱۶۲)  
به زودی باز خواهم گشت / به زودی از سفر باز  
می‌گردم / و باران به ابر باز می‌گردد... / به زودی از  
میان طوفان‌ها باز می‌گردم... / و باز می‌گردد دستان  
قطعه قطعه شده ما / و [دستان] تکه تکه شده و  
پراکنده شده / ... مدرسه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و خانه‌ها را

- الجيوسى، سلمى الخضراء (۱۹۹۷). *موسوعه الأدب الفلسطيني المعاصر*. عمان: دارالفارس للنشر والتوزيع.
- احمدى، بابک (۱۳۸۴). *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشر مرکز.
- آن، گراهام (۱۳۸۹). *بینامتنی*. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز.
- پیشوایی‌علوی، محسن و حسین پناهی، گلاره (۱۳۹۱). «نوستالژی در شعر مسیح‌القاسم». *پژوهنامه ادب عربی*، شماره ۶/۶، صص ۶۴-۳۱.
- تودورف، تزوتان (۱۳۷۷). *منطق گفت و گویی میخائیل باختی*. ترجمه داریوش کریمی. تهران: مرکز.
- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۷۴). *تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*. تهران: انتشارات اساطیر.
- راستگو، محمد (۱۳۸۶). *تأثیر قرآن و حدیث در شعر پارسی*. قم: دارالاسلام.
- سبزواری، حمید (۱۳۷۶). *سرود درد*. چاپ اول. تهران: کیهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۸). *سرود درد*. تهران: کیهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *سرودی دیگر*. تهران: قلم ایران.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵). *موسیقی شعر*. تهران: سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *رستاخیز کلمات*. چاپ اول. تهران: سخن.
- عنصرالم‌عالی، کی‌کاووس‌بن وشمگیر (۱۳۶۶). *قابوسنامه*. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران:
- علمی فرهنگی.
- صدوق، را ضی (۲۰۰۰). *شعراء فدا سطين في القرن العشرين*. بیروت: المؤسسة العربیه للدراسات و النشر.
- محسنی‌نیا، ناصر (۱۳۸۲). «مقایسه تأثیر پذیرى دو شاعر بزرگ حبسیه سرای فارسی و عربی از قرآن و حدیث». *مجله فرهنگ*، شماره ۴۶ و ۴۷، صص ۲۵۵-۲۷۸.
- محمدیان، عباس و رجبی، مسلم (۱۳۹۵). «جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار حمید سبزواری». *نشریه ادبیات و علوم انسانی*، سال هشتم، شماره چهاردهم، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- محمودی، مریم و هاشمی، زینب‌الاسادات (۱۳۹۵). «بررسی مضامین پایداری در شعر محمدمهدی جواهری و مجموعه سرود درد حمید سبزواری». *مطالعات ادبیات تطبیقی*، شماره ۳۸، صص ۸۷-۷۱.
- القاسم، سمیح (۱۹۹۲). *شعر*. بیروت: دارالجليل.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *سمیح القاسم فی دائره النقد سیح هل سجلات سمیح القاسم*. بیروت: دارالجليل.
- القاسم، نبیه (۱۹۹۲ الف). *سمیح القاسم فی دائره النقد*. بیروت: دارالجليل.
- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان*. تهران: پالیز.
- کنفانی، غسان (۱۹۶۸-۱۹۴۸). *الأدب الفلسطيني المقاومة حتا لاحتلال*. المؤسسة الدراسات الفلسطينية.